

/// خواب را نهیب بزن ///

«آن کس که فریب وضع موجود خود را بخورد (و بدان خشنود باشد). در چاره‌گری (و طرح ریزی برای بهبود وضع خویش) کوتاهی خواهد کرد.»^۱

امام علی (علیه‌السلام)

گوارا و زلال بوده و با حکمت‌های نوآیین و دل‌انگیز (و دانش‌های نوین...) به روانتان آسایش بخشید، زیرا ارواح مانند بدن‌ها (رنجور) و خسته می‌گردند.^۳

تلاش در مسیر زندگی، با اندیشه آغاز می‌شود، چه آن که اندیشه ما را به نیکی و عمل فرا می‌خواند و به تعبیر امام علی (ع): «هر که بیندیشید، بینا شود.»^۴ باید در جست‌وجوی چیزهایی باشیم که سبب می‌شود تا فکر کنیم. پرسش‌ها از این‌رو بسیار قابل احترامند. از خود پرسیم... فهرستی از پرسش‌هایمان را بنویسیم. هر روز درباره‌ی یکی از آن‌ها بیندیشیم.

در دیروز نمانیم. به فردا بیندیشیم. اما مهم‌تر از همه «آن» است که ما در آن به‌سر می‌بریم! اکنون! پرسش‌های اکنون، پرسش‌های فردا را به‌دنبال خواهد داشت.

پیوسته به خود بگوییم که شخصیت ما محتاج تربیت و مراقبت است. با اندیشیدن و تأمل از آن مراقبت کنیم: ادب، خویشتنداری، مردانگی، مهربانی، مدارا، وقار، دلسوزی درک درست و بجا از هستی و خویش. پرهیز از عیب‌جویی، گام زدن در مسیر کمال، روی گرداندن از کارهای پیش پا افتاده، عزت نفس، درک فروتنی و دانش، ستایش کردگار، عشق به حقیقت و عدالت، خوش‌بینی و گشاده‌دستی، اعتماد، ثبات قدم، خوشرویی، متانت و ملاحظت و صداقت و...

اندیشیدن سرآغاز راهی است که می‌تواند ما را از تباهی دور کند: «در فکر منظم و مهذب نه اثری از تباهی است و نه پلیدی و چرک...»^۵

حالا، با یک پرسش ساده آغاز کن...
خواب را نهیب بزن. زندگی پشت پنجره‌ی باور ماست.

پی‌نوشت

۱. غررالحکم، ۳۶۸/۲
۲. بحارالانوار، ۱۱۵/۷۸
۳. کافی، ۴/۸۱ به نقل از الحیاه، جلد هفت، محمدرضا حکیمی، ص ۱۵۰
۴. کافی، ج ۲، ص ۵۵ (ج ۵)
۵. تأملات، مارکوس اورلیوس (۱۳۸۹)، ترجمه‌ی عرفان ثابتی، نشر ققنوس، ص ۳۰

ما می‌میریم، نه آن‌گاه که قلمبان از حرکت باز ایستد؛ آن‌گاه که به سکون و ایستایی خو می‌کنیم. بسیاری از ما سال‌هاست که بدون هیچ طرح و برنامه‌ای روزگار می‌گذرانیم. صبح و شام برایمان تفاوتی نمی‌کند؛ گاه این ماه و ماه دیگر، این سال و سال دیگر هیچ توفیری ندارد. وقتی ماحتی یک گام نیز به جلو بر نمی‌داریم، بی‌تردید مرده‌ایم. موجود زنده، موجودی است کوشا که هرگز دست از تلاش بر نمی‌دارد. عده‌ای همیشه آیه‌ی یأس می‌خوانند و دیگران را نیز ملامت می‌کنند که هر تلاشی بیهوده است. نه خود به جلو می‌روند، نه اجازه می‌دهند که دیگران از وضع موجود فاصله بگیرند. روح آنان زیر بار خاکسترهای بیهودگی، به حالت رخوت‌ناکی درآمده است. عطش را ادراک نمی‌کنند و در جست‌وجوی آب بر نمی‌آیند. حال آن‌که اگر کسی در جست‌وجوی آب باشد، بی‌تردید بدان دست خواهد یافت؛ هر کس در جست‌وجوی آب باشد، هرگز تشنه نخواهد ماند.

ما سال‌هاست که در حصاریم. نه حصارهای بیرونی، حصارهایی نامرئی که درون ما را تحدید کرده‌اند. حصار در حصار. از همه‌چیز

آن که در جست‌وجوی آب است هرگز تشنه نمی‌ماند!

دکتر محمدعلی شامانی

و همه کس هراس دارند. به هراس خورده‌اند. تفکر و اندیشه برایشان دردناک است. یک سؤال ساده آن قدر برایشان گران می‌آید که انگار بار تمام هستی را بر دوش آنان نهاده‌اند. بینایی و زنده‌دلی و رسیدن به دروازه‌های ایمان، جز در سایه‌ی اندیشه و تفکر به دست نمی‌آید؟ امام حسن (ع) می‌فرمود: «خود را به فکر کردن وادارید، که فکر کردن سبب زنده شدن دل بینا و کلید درهای حکمت است.»^۲

بی‌توجهی به نیازهای روحی ما را ناتوان و «تهی» دست‌تر از همیشه خواهد کرد. زندگی را از معنا تهی و ایستایی را حاکم خواهد کرد. باید چون تشنه‌ای بیقرار در جست‌وجوی آب‌های

